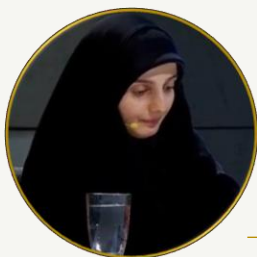


شماره چهارم
۱۹ فروردین ۱۴۰۵

نگاه

پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی



نگاه دکتر فاطمه رایگانی، عضو هیئت علمی

✦ این چهل روز را چطور دوام آوردیم؟

سید علی خامنه‌ای معنای زندگی ما بود؛ همه حجت جهادمان، تفسیر «توحید» و مسلمانی‌مان؛ توحیدی که مادرش، زهرا سلام‌الله علیها فرمود «تمامش در (اخلاص) است» و اخلاص سیره اهل «صدق» است؛ سیره آن «رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه»؛ آن‌هایی که در عهده‌ای که با خدا بستند صادق بودند. کدام عهد؟ این که «إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ»؛ این که تمامشان برای خدا باشد. آقا در زمان حیاتش می‌گفت «این دو کلمه، این ترکیب آسمانی «صدق» و «اخلاص» روی زمینش می‌شود «مکتب سلیمانی»». برای همین بود که هم حیات سلیمانی سرتاپا برکت شد و هم شهادتش مصداق آنچه در زیارت امین‌الله آمده: «وَقَبْضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَالزَّمَّ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ»، یعنی جان او را خدا گرفت، قبض روح دست خداست اما این قبض روح موجب شد که حجت علیه دشمنان او و دشمنان خدا اقامه شود. من آن روزها، بعد از شنیدن این حرف‌های آقا، همه زندگی سردار را زیر و رو می‌کردم تا ببینم این صورت‌بندی باشکوه از حیات و ممات یک آدم در زبان فرمانده‌اش، ثمره کدام کار اوست و هرچه پیدا می‌کردم خلاصه‌اش می‌شد «سربازی خامنه‌ای». عظمت سلیمانی به این بود که ایمان داشت وفای به عهد تاریخی خدا در هر عصری مصداقی دارد و مصداقش امروز در حسینیه امام خمینی نشسته و «جهت» مبارزه را نشان می‌دهد. برای همین بود که بدون لکنت می‌گفت جمهوری اسلامی حرم است و از شئون عاقبت به خیری تنظیم نسبت با سیدعلی خامنه‌ای است و نمی‌ترسید این حرف‌ها از سرمایه اجتماعی‌اش کم کند. او حق «معاصرت» با رهبرش را با نهایت صدق و اخلاص به جا آورد و در آخر خودش در عالم معاصرت پیدا کرد و حجت مومنین علیه دشمن شد. حالا هرچه بگردید در توصیف حیات عالم‌ساز سیدعلی خامنه‌ای، و آنچه در در چهل روز پس از شهادتش، چیزی دقیق‌تر از آنچه خودش درباره مکتب سلیمانی گفت پیدا نمی‌کنید.



نگاه رئیس محترم پژوهشگاه، حجت‌الاسلام والمسلین

دکتر مهدوی زادگان

دیپلماسی ولایی شرط موفقیت در مذاکره آتش بس دو هفته‌ای

اکنون که نظام مقدس جمهوری اسلامی به لطف الهی و توجهات امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و با پشتیبانی خالصانه سه جانفدای مقتدر؛ میدان و خیابان و محور مقاومت توانست در مدت چهل روز شر جنگ تحمیلی را به خود دشمن آمریکایی صهیونی بازگرداند و آنها را از ریخت پوشالی فرعون‌ی به زیر کشد و به جهانیان بفهماند که اسطوره شکست ناپذیری آنها دروغین است با اقتدار و عزت دو هفته مهلت به دولت شریر متجاوز داده است تا برای همیشه دست از فتنه‌گری و شرارت در منطقه بردارد. دشمن بداند که این دو هفته آتش بس، فرصتی برای تجدید نظر و اصلاح خوی استکباری و فرعون‌ی است و نه تجدید قوا و عزم مجدد بر تحمیل جنگ جدید تر. اگرچه نظام اسلامی همراه با سه یاور جانفدایی خیابان و میدان و مقاومت عزادار شهادت قائد اعظم و دانش آموزان دختر مینابی و دلاوران ناو ایرانی و جمعی از مردم بی گناه است ولی تا اینجا دستاوردهای بسیار بزرگی از این جنگ تحمیلی بدست آورده که در چند قرن اخیر کم نظیر است، اگر نگوییم بی نظیر است. لکن برای حفظ و استمرار این میراث مقدس باید تدبیرات بزرگی اندیشید و عمل کرد. مسلماً در این تدبیر حیاتی، ارزیابی دقیق تجربه دیپلماسی گذشته بسیار حائز اهمیت است. اگر حقیقتاً بخواهیم تجربه تلخ و بی حاصل آتش بس جنگ دوازده روزه که منجر به آغاز جنگی بی رحمانه تر و شهادت رهبر معظم انقلاب شد تکرار نشود، باید جمهوری اسلامی تیم دیپلماسی خود را تغییر و باز سازی کند. جمهوری اسلامی با دیپلماسی فعلی که سابقه نا موفق مذاکرات برجامی در کارنامه خود دارد، قطعاً به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. قطعاً باید دیپلماسی را برای انجام مذاکره گسیل کرد که عصاره ولایت و خیابان و میدان و مقاومت باشد.

سلیمانی مکتبی داشت که فرمانده اش سید علی خامنه‌ای بود؛ مردی از اهالی «صدقوا ما عاهدوا الله علیه» که خدا گفته بود برخی از آن‌ها عهدشان را به پایان می‌برند و شهید می‌شوند و برخی دیگر در انتظار شهادتند. و او به معنای واقعی کلمه منتظر شهادت بود، انگار بعد از شهادت سردار سلیمانی بیشتر. نشان به آن نشان که در آن صبح آخرالزمانی، در آن مراسم تشییع بی‌نظیر، درمیانه آن نماز تاریخی بر پیکر شهید، به دعای شهادت برای خودش که رسید با تمام وجودش بارید و آن قدر در آن طلب، صداقت داشت که هر که در آن نماز به او اقتدا کرده بود رد حرکت آن دعا را تا عرش خدا را می‌دید. هر که خامنه‌ای و خدایش را می‌شناخت، می‌فهمید که بعد از این دعا دیگر شهادت او مصداق سنت الهی است که شاید تأخیر داشته باشد اما تبدیل ندارد. و این‌گونه رفتن نه تنها پایان زندگی نیست بلکه حجت است برای هزاران زندگی پس از این... برای همین سید علی خامنه‌ای هنوز هم معنای زندگی ماست؛ حجت همه جهادمان، تفسیر توحید و مسلمانی مان...



نگاه دکتر آزاده زینب محمودیان، همکار علمی پژوهشگاه

پیشنهادهای برای دانشگاه‌های بمباران شده

روایت‌ها تنها از جنس کلمه و تصویر نیستند. خود عینیت، گاهی روایتگری می‌کند. ساختمانی که در میان محوطه زیبای دانشگاه شریف، با آن سازه‌های باصالتش، چنین فروریخته و به تلّ خاک و خاکستر مبدّل شده، یک راوی تمام‌عیار از ماجرای تلخ مسخ‌شدگی برخی اهالی آن دانشگاه است. آن ساختمان، شاهد روزهای پرغصه فتنه ۱۴۰۱ و بهمن ۱۴۰۴ بوده است؛ و حکایت می‌کند از دانشجویانی که با رتبه‌های کم‌رقمی، فهم بی‌رمق خود را با شعارهای سخیف و الفاظ رکیک، برای دنیا نمایش می‌دادند. آن سازه شکل، تنها از بمب‌های آمریکایی صهیونی به این روز نیوفتاده است؛ بلکه این سنگر دانش، آن روزی گرفتار سنگرشکن‌ها شد که برخی از دانشجویانش بر سر نفهمیدن سخن انقلاب و ضربه زدن به امنیت ملی، باهم رقابت می‌کردند. زمینه‌های این بمباران، در همان بمباران ذهنی در روزهای فتنه فراهم شده بود.

نمی‌توان به سادگی از این دو بمباران گذشت، باید این بمباران عینی را تبدیل به سپری برای تکرار نشدن آن بمباران ذهنی کرد. از این رو پیشنهاد می‌کنم در همه دانشگاه‌ها، به خصوص دانشگاه شریف، یکی از ساختمان‌های آسیب‌دیده را بازسازی نکنند، و به همان شکل نگه دارند، مخصوصاً ثبت در ذهن دانشجویان و در تاریخ آن دانشگاه؛ شرح تذکری هم بنگارند و بر ورودی آن سازه بگذارند که: «این تخریب، پاسخ آن خبیثان به التماس برخی اساتید و دانشجویان این دانشگاه است، که پشت به ملت خود، در مقابل دشمن اظهار خاکساری می‌کردند...».



نگاه جعفر علیان نژادی، پژوهشگر اندیشه سیاسی

طعم گس پیروزی

گاهی روایت پیروزی به راحتی آنچه در میدان عمل اتفاق افتاده است نیست، بنابراین نقد کردن آنچه در میدان فتح شده و در اراده مردم و رزمندگان علیه دشمن سفاک جریان دارد، بسی سخت و طاقت فرسات. سختی بیشتر کار وقتی نمایان می‌شود که خود را وسط یک معرکه ترکیبی بینیم، قسمت مهمی از این کارزار در فضای اذهان جریان دارد. از آن سخت‌تر وقتی است که بدانیم با دشمنی جاعل، طماع، فریبکار، غیرقابل اعتماد و عهد شکنی طرفیم که هر لحظه در حال طراحی جنایت است. تحمیل اراده به این دشمن در میدان نظامی بسیار آسان‌تر از میدان زبانی است. با این مقدمه معلوم می‌شود برای حفظ و ثبت و ضبط پیروزی میدانی، باید دارای نوعی اعتماد به نفس بیانگری بود تا هر آنچه از اراده مردم و رزمندگان بر دشمن تحمیل شده، تحت تأثیر گنده‌گویی، فرار به جلو و طفره رفتن دشمن قرار نگیرد. نقطه مهم پیروزی تاریخی ایران بر دشمن آمریکایی-صهیونی در همین لحظه است. همین که در میدان زبانی، آن شیاد باند تبهکار آمریکایی، مجبور به پذیرش شروط دهگانه ایران به عنوان مبنای مذاکرات آتش بس شد. ارزش این پیروزی که به پشتوانه اقتدار نظامی و خیابانی ایران حاصل شد، تاریخی است. از شب گذشته تقریباً هیچ تحلیلگر منصف انگلیسی زبان نیست که شکست را با ارجاع به کلمات آن تبهکار فاسد آمریکایی، در جبهه دشمن توصیف نکرده باشد. اما گفته شد طعم گس پیروزی، چون همانطور که ابتدا شیرین است ته مزه‌ای گس دارد که زیان را بند می‌آورد. راز تداوم این پیروزی، اقتدار در میدان زبانی است، باید آماده جنگ کلمات در مذاکره پیش رو شد. مذاکره‌کنندگان بایست با روایت پیروز و دست بالا وارد شوند.



مركز مطالعات و تحقيقات في الثورة الاسلامية

